

بر علیه جناح راست

رفقای عزیز،

معمولاً دو گرایش مخالف آشتی‌ناپذیر در زیر برچسب اپوزیسیون ذکر می‌شود: گرایش انقلابی و گرایش اپورتونیستی. برخورد خصمانه با سنتریزم و "رژیم" تنها وجه مشترک مابین آن‌ها است. اما این خالصاً یک پیوند کاملاً منفی است. مبارزه‌ی ما بر علیه سنتریزم از این واقعیت ناشی می‌شود که سنتریزم نیمه فرصت‌طلب است و علیرغم اختلاف موقت و حاد با دومی، فرصت‌طلبی تمام عیار را پنهان می‌نماید. بدین دلیل است که حتی نمی‌توان از بلوک میان اپوزیسیون چپ و اپوزیسیون راست صحبت نمود. این نیازی به تفسیر ندارد.

اما این بدان معنا نیست که فقط عناصر فرصت‌طلب به زیر پرچم اپوزیسیون راست صف آرایی نموده‌اند، یا اینکه همه‌ی آن‌ها ناامید هستند. گروه‌بندی‌های سیاسی با یک ضربه ایجاد نمی‌شوند. در مراحل اولیه، سوء تفاهات زیادی وجود دارند. کارگرانی که از سیاست حزب ناراضی هستند، غالباً راه‌های خروج بسیار متفاوت از آنچه را که جستجو می‌کنند پیدا می‌کنند. این امر به ویژه در مورد چکسلواکی جایی که حزب کمونیست در حال گذار از یک بحران بسیار حاد است باید بخاطر سپرده شود. ناآشنایی من با زبان چک متأسفانه مانع من از دنبال نمودن زندگی درونی حزب چکسلواکی شده است. اما شک ندارم که به اصطلاح اپوزیسیون راست امروز وضع و حال و گرایش‌های مختلفی را دربر می‌گیرد که تنها در آینده‌ای

نزدیک آغاز به متبلور گشتن می نماید. مسیر این تبلور تا حد زیادی بستگی به فعالیت جناح لنینیستی دارد.

چنین ارزیابی ای هیچ وجه مشترکی با دیدگاه سوورین Souvarine، که وجود گرایش های اصولی - یعنی طبقه را در کمونیزم به طور کلی انکار می کند، ندارد. خیر، وجود [جناح های] راست، سنتر و چپ واقعیاتی هستند که توسط وقایع تاریخی بزرگ جهانی تأیید گشته اند. آنانی که وجود این گرایشات و مبارزات سازش ناپذیر بین آن ها را ندیده می گیرند، به دکترین گرای نامیدی سقوط می کنند و در عین حال گرایش راستگرایانه را، که به مثابه پلی مستقیم به سوسیال دموکراسی عمل می کند، پنهان می نمایند.

با این حال، تفکیک دقیق مارکسیستی این سه گرایش، مستلزم این نیست که ما به این تمایلات به مثابه امری تمام شده یا سخت شده نگاه بیندازیم. دوباره متشکل سازی شخصی اندکی صورت نمی گیرد. محافل گسترده کارگرانی که به سمت کمونیزم گرایش پیدا می کنند، هنوز آغاز به متبلور شدن نکرده اند؛ به دلیل سنت، آن ها در چارچوب های قدیمی باقی می مانند یا در بی تفاوتی سقوط می کنند.

نشانه های بسیاری مبنی بر اینکه تمام احزاب بین المللی کمونیستی در حال نزدیک گشتن به لحظه ی وخیمی هستند، وجود دارد. جناح های موجود در کمونیزم از لحاظ ماهیتی تنها در مرحله ی مقدماتی هستند. آن ها ابزاری برای گروه بندی های عمیق تر در درون احزاب کمونیست و طبقه ی کارگر به مثابه یک کل هستند. بخصوص، بدین دلیل، مداخله ی فعال اپوزیسیون لنینیستی در زندگی داخلی حزب کمونیست چکسلواکی از اهمیت بالایی برخوردار است.

با این حال، اپوزیسیون چپ خودش از متفق القول بودن بدور است. تقریباً دو و حتی سه گروه در هر کشوری وجود دارند که همبستگی خود را با جناح چپ CPSU اعلام می نمایند. این واکنشی به رژیم دیوانه و جنایتکاری است که از پاییز سال ۱۹۲۳ در انترناسیونال کمونیستی مستقر گشته است و قصد کرده است که حزب جهانی پرولتاریا را به یک نظم کاریکاتوری عیسویتی مبدل بنماید. تمام امراضی که بسوی داخل رانده شده اند، هم اکنون دارند به سطح می آیند. کمک به این قلمرو، نه تنها واکنشی سیاسی در جهان سرمایه داری بلکه در اتحاد جماهیر شوروی است.

البته هیچ چیزی در این واقعیت که اپوزیسیون چپ به چند گروه تقسیم گردیده است خوشنود کننده نیست. اما واقعیت ها باید همانطور که هستند اتخاذ شوند. اگر دلایل تفرقه فهمیده شوند، ممکن خواهد گشت که راه های غلبه بر آن را پیدا کرد.

اتحاد اپوزیسیون را نمی توان با موعظه های انتزاعی وحدت یا با ادغام سازمانی صرف بدست آورد. وحدت باید بطور تنوریک و سیاسی مهیا گردد. این آماده سازی باید گروه ها و عناصری را که واقعاً ملاک مشترک دارند و آتانی که خود را بر اثر سوء تفاهم در میان لیست اپوزیسیون قرار می دهند، را روشن نماید.

مهمترین ملاک پلاتفرم است یا باید باشد. این ملاکی قابل اطمینان تر خواهد بود، از همه بیشتر، هر گروهی مستقل از قدرت فعلی خود، نتیجه گیری های سیاسی مؤثری را در مبارزات روزانه به دست می آورد. من پیش از همه پلاتفرم ملی را در نظر دارم. چرا که اپوزیسیون ناگزیر سکتی بی ثمر باقی

می‌ماد، در صورت آنکه دائماً در حیات پرولتاریا و در حیات کشور مداخله ننماید. در عین حال، همینطور لازم است پلاتفرم بین‌المللی اپوزیسیون، که به مثابه پلی برای برنامه‌ی آینده انترناسیونال کمونیستی عمل می‌نماید، بسط داده شود. چرا که کاملاً مشهود است که انترناسیونال کمونیستی احیا شده نیاز به یک برنامه‌ی جدید دارد. این فقط می‌تواند توسط اپوزیسیون تهیه گردد. باید این بلافاصله انجام شود.

بدون تردید، مسائل مربوط به سیاست CPSU، انقلاب چین و کمیته‌ی انگلوروسی سه ملاک بنیادی برای گروه‌بندی‌های داخلی در کمونیزم و همچنین به تبع آن در اپوزیسیون است. البته این بدان معنا نیست که پاسخ صحیح فقط به این سه مسئله برای ما کافی است. زندگی متوقف نمی‌شود. باید با آن گام برداشت. اما بدون پاسخ صحیح به سه مسئله فوق‌الذکر، این غیر ممکن است که امروز یک موضع صحیحی در مورد هر مسئله دیگری داشته باشیم. به همین ترتیب، بدون درک صحیح انقلاب ۱۹۰۵، دستیابی به یک رویکرد صحیح به مشکلات عصر واکنش یا به انقلاب ۱۹۱۷ غیر ممکن بود. او، آنکسی که درس‌های انقلاب چین را، درس‌های اعتصابات انگلیس و کمیته‌ی انگلوروسی را ندیده می‌گیرد، گم‌گشته است. باید درس‌های بزرگ این وقایع دقیقاً تلفیق شوند تا بتوان در مورد تمام موضوعات زندگی و مبارزات پرولتری موضع صحیحی اتخاذ نمود.

ابزار بسط پلاتفرم بین‌المللی باید ارگان بین‌المللی اپوزیسیون باشد که در ابتدا به صورت ماهانه یا دو هفته‌ای یکبار بیرون بیاید. امروز این غیر قابل تأخیر انداختنی‌ترین و فوری‌ترین وظیفه است. این ارگان تحت یک هیئت تحریریه‌ی محکم و تزلزل‌ناپذیر اصولگرا باید در ابتدا به روی همه‌ی

گروه هایی که خود را در اپوزیسیون چپ در نظر می گیرند یا می خواهند به آن نزدیک گردند، باز باشد. وظیفه ی این ارگان نه حفظ موانع قدیمی بلکه تسریع تجدید سازماندهی نیروها به صورت گسترده تری است. اگر بر اختلافات درون اپوزیسیون چپ هنوز نتوان در چارچوبی ملی فائق آمد، پس ما هم اکنون امروز می توانیم آماده شویم که بر آن در بستری بین المللی فائق آییم.

با تعیین یک خط واضح و دقیق توسط هیئت تحریریه، چنین گاهنامه ای باید حوزه ای مختص برای بحث آزاد داشته باشد. به ویژه، این ارگان باید بر اختلاف نظرهای مابین گروه های ملیتی مختلف درون اپوزیسیون چپ کنترلی بین المللی را اعمال نماید. چنین کنترل دقیق و آگاهانه ای به ما این امکان را می دهد تا اختلافات واقعی را از موارد ساختگی جدا نموده، مارکسیست های انقلابی را متحد کرده، و عناصر بیگانه را غربال نماییم.

به دلیل هدفش، گاهنامه باید در چندین زبان جهانی بیرون آید. این به سختی در آیندهای نزدیک امکان پذیر خواهد بود و یک سازشی عملی ضروری خواهد بود. مقالات ممکن است به زبان یک کشوری که مستقیماً با آن درگیر هستند، یا به زبانی که با آن این مقالات نوشته شده اند چاپ گردند. مهم ترین مقالات ممکن است با خلاصه ای کوتاه به زبان های دیگر همراه گردد. در انتها، ارگان های ملی اپوزیسیون ممکن است ترجمه های مهم ترین مقالات را در ستون های خود چاپ نمایند.

* * *

برخی از رفقا می گویند و می نویسند که اپوزیسیون روسیه در مسیر رهبری سازمانی اپوزیسیون چپ بین المللی خیلی کم عمل می نماید. من

معتقدم که در پشت این سرزنش در خفا گرایش خطرناکی وجود دارد. ما در جناح بین المللی خود در حال آماده سازی بازتولید اخلاق و روش های زینوویویست و استالینیست کمینترن نیستیم. کادرهای انقلابی در هر کشوری باید بر اساس تجربیات خاص خود شکل بگیرند و باید روی پای خود بایستند. اپوزیسیون روسی در دسترس خود - کسی تقریباً امروز می تواند بگوید که این خوش شانسی است - نه ابزار سرکوب دولتی و نه منابع مالی دولت را دارد. این تنها و منحصراً یک مسئله ی تجلی ایدئولوژیک، تبادل تجربیات است. با تعیین رهبری صحیح بین المللی جناح، این امر به طور طبیعی می تواند منجر به رشد سریع اپوزیسیون در هر کشوری گردد. اما هر بخش ملی باید منابع نفوذ و قدرت خود را نه در بالا، بلکه در پایین در بین کارگران خود، با جذب جوانان به سمت خود، با کارخستگی ناپذیر، فعال و خود ایثارگرانه جستجو نماید.

لئون تروتسکی

مارس 1929

https://www.marxists.org/archive/trotsky/1929/03/rightop.htm?fbclid=IwAR0HqQ8ZpXVdVWVEAr9Rvtrp11Jb_4Pmv7LD7eg5stj2lahkgNcPCxmJjac

منبع: از مجموعه مارکسیزم، بین الملل چهارم، جلد ۷ شماره ۵، مه ۱۹۴۶، ص ۱۵۳-۱۵۴

مترجم: ژاله سهند

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل نشر کارگری سوسیالیستی: nashrKargarSocialisti@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری